برخی از شما همسران شان را مانند برده کتک می زنند و چه بسا در پایان همان روز، با او همبستر می شوند.

از عبدالله بن زمعه رضی الله عنه روایت است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده که در سخنرانی اش، درباره ی شتر صالح علیه السلام و کسی که آن را پَی کرد، سخن گفت و فرمود: «"إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا" انْبعثَ لَها رَجُلٌ عزِيزٌ، عارِمٌ منِيعٌ في رهْطِهِ»: «"إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا" مردی که در میان قومش بی نظیر و گرامی، مقتدر و بسیار تبهکار بود، به سرعت برخاست (و ماده شتر را پی کرد)». سپس درباره ی زنان سخن گفت و فرمود: «يعْمِدُ أَحَدكُمْ فيجْلِدُ امْرأَتَهُ جلْد الْعَبْدِ فلَعلَّهُ يُضاجعُهَا مِنْ آخِرِ يومِهِ»: «برخی از شما همسران شان را مانند برده کتک می زنند و چه بسا در پایان همان روز، با او همبستر می شوند»! سپس مردم را درباره ی بادی که از شکم خارج می شود، نصیحت کرد و فرمود: «لِمَ يضحكُ أَحَدَكُمْ مِمَّا يفعل؟»: «چرا برخی از شما به خاطر کاری که از خودش سر می زند، به دیگران می خندد؟».

[صحیح است] [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم سخنرانی می کرد که یکی از شنوندگان عبدالله بن زمعه بوده است؛ از جمله مواردی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در این سخنرانی به آن پرداخته و عبدالله شنیده، ذکر شتری بوده که معجزه ی پیامبر خدا صالح علیه السلام بوده است؛ و از کسی سخن گفته که آن را پی کرده و به او قُدار بن سالف می گفتند و بدبخت ترین افراد قوم بود؛ برخی از صفت های وی که به آنها اشاره شده عبارتند از: بی نظیر بودن، پر فساد بودن، صاحب قدرت در میان قومش. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم در سخنرانی اش فرمود: «يعْمِدُ أَحَدكُمْ فيجْلِدُ امْرأَتَهُ جلْد الْعَبْدِ»: «برخی از شما همسران شان را مانند برده کتک می زنند». معمولا کتک کاری شدید بوده است؛ سیاق حدیث بیانگر بعید بودن این دو امر از انسان عاقل می باشد؛ اینکه به شدت همسرش را به باد کتک بگیرد و در ادامه ی روز یا همان شب با وی همبستر شود؛ این درحالی است که همبستری و هم خوابگی زمانی نیکو است که با میل و رغبت همراه باشد؛ حال آنکه غالبا کسی که کتک خورده و لطمه دیده، از کسی که با او چنین رفتاری داشته نفرت دارد؛ و این مساله به مذمت و نکوهش چنین رفتار متناقضی اشاره دارد؛ و بیانگر این مهم است که اگر چاره ای جز تنبیه نیست، باید تادیب با تنبیه اندکی همراه باشد به گونه ای که نفرت مطلق به دنبال نداشته باشد؛ لذا نباید در تنبیه و تادیب افراط و زیاده روی کرد. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم آنها را در مورد خندیدن به خاطر بادی که از دیگری خارج می شود، هشدار می دهد. زیرا چنین رفتاری خلاف مروت و جوانمردی بوده و با هتک حرمت همراه است؛ و در بیان زشتی آن فرمود: «لِمَ يضحكُ أَحَدَكُمْ مِمَّا يفعل؟»: «چرا برخی از شما به خاطر کاری که از خودش سر می زند، به دیگران می خندد؟». زیرا خندیدن برای امری عجیب است. خنده ای که اثر آن، خود را بر پوست ظاهر نماید تبسم است؛ و اگر قوی تر بوده و با صدا همراه باشد، "ضحک" می باشد؛ و اگر بیش از این مقدار باشد "قهقهه" نام دارد. این درحالی است که خارج شدن باد امری معمولی و مشترک در میان همه ی انسان ها می باشد، بنابراین چه دلیلی برای خندیدن به آن وجود دارد؟

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3070